

ارزیابی طرح میدان امام حسین (ع) تهران با تأکید بر یادآورهای شهری

مهندس مهدی یزدی*، دکتر بهنار امین زاده**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۶/۰۸

چکیده

امروزه تمرکز عمده آن دسته از تحقیقات مکان‌محور که بر اهمیت روایت و خاطره در شهرها تأکید دارند، بر نحوه شکل‌گیری خاطرات جمعی در شهر و معیارهای مؤثر بر آن بوده و کمتر به نحوه ثبت و انتقال این خاطرات برای آیندگان پرداخته شده است. پژوهش حاضر باهدف تحلیل طرح میدان امام حسین (ع) از منظر میزان توجه به خاطرات جمعی مکانی از طریق حفظ و تقویت یادآورهای شهری به اجرا درآمده است. در این پژوهش از روش تحلیل کیفی و شیوه تحلیل محتوا همراه با تحلیل‌های تخصصی، بهره‌گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طرح جدید در توجه به یادآورهای شهری توفیقی به دست نیاورده و از قابلیت متعدد موجود در این مکان تاریخی بهره‌ای نگرفته است. پژوهش حاضر با تأکید بر اهمیت خاطرات جمعی مکانی و یادآوری این خاطرات، الگویی برای بررسی و تحلیل انواع مختلف یادآورهای شهری (از طریق نقشه تحلیلی) معرفی می‌نماید.

واژه‌های کلیدی

یادآورهای شهری، خاطرات جمعی، مکان‌های شهری، تحلیل کیفی، میدان امام حسین (ع)، AM

* دانشجوی دکتری، دانشکده برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

** دانشیار دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: bgohar@ut.ac.ir

مقدمه

زیستگاه‌های انسانی با خاطراتی بیوند می‌خورند که وقایع و مکان‌های گذشته را به یاد می‌آورد. این خاطرات گاه فردی بوده و گاه از ماهیت جمعی برخوردارند. خاطره جمعی، خاطره‌ای است مشترک میان اعضای گروه که در چارچوبی اجتماعی و بستری مکانی و در طول زمان شکل می‌گیرد. از آنجاکه این خاطرات معنی‌بخش فضا می‌باشند، به‌واسطه آنها فضا به مکان و مکان به مکانی پر معنی، خاطره‌انگیز و ارزشمند تبدیل می‌شود. اما پس از شکل‌گیری و در اثر گذشت زمان، این خاطرات کمرنگ شده و تنها بخش‌هایی از آن در ذهن می‌ماند. بنابراین برای یادآوری رویدادهای صورت‌گرفته در مکان‌های شهری، وجود یادآورهای شهری ضرورت می‌یابد. این یادآورها روایت‌گر قصه شهر خواهند بود.

در دوران مدرن یادآورها و خاطرات نقش بسته بر دفتر خاطرات شهر در روندی افسارگسیخته (خواسته و ناخواسته) پاک می‌شوند. از این‌رو تجربه‌ای مشترک بین شهروندان شکل می‌گیرد، تجربه نیافتن چیزهای آشنا در شهر. تداوم این روند در مداخلات شهری دوران معاصر، شکل‌گیری بحران‌های هویتی و ایجاد نوعی احساس بی‌ریشگی و عدم تعلق به مکان‌های شهری را موجب شده است. این امر موجب گشته تا در دهه‌های اخیر روند فزاینده‌ای از پژوهش‌های مرتبط با خاطرات جمعی مکانی در حوزه مطالعات شهری کشور مشاهده شود. اما تمرکز عمده این تحقیقات بر نحوه شکل‌گیری خاطرات جمعی در شهر و معیارهای مؤثر بر آن بوده و کمتر به نحوه ثبت و انتقال این خاطرات برای آینده و آیندگان پرداخته شده است.

هدف از انجام این پژوهش بررسی و تحلیل طرح میدان امام حسین در توجه به خاطرات جمعی مکانی از طریق حفظ، تقویت و ایجاد یادآورهای شهری است. در عین حال پژوهش سعی دارد تا در حوزه روش‌شناسی، روشی برای بررسی و تحلیل انواع یادآورهای شهری معرفی نماید.

پرسش‌هایی که پژوهش به دنبال پاسخ به آنهاست عبارت‌اند از:

- عوامل مؤثر در یادآوری خاطرات جمعی مکانی چه هستند؟
- طرح جدید میدان امام حسین چگونه به حفظ و تقویت خاطرات مکانی از طریق یادآورهای شهری پاسخ می‌دهد؟

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

مفاهیم خاطره، خاطره جمعی و یادآوری جمعی مفاهیمی عمومی و پرکاربرد هستند که پیش‌تر توسط فلاسفه، تاریخدانان، محققین ادبیات، روان‌شناسان، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و دیگر رشته‌ها مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته بودند و اینک به حوزه معماری و شهرسازی وارد شده‌اند.

واژه «خاطره» در لغت‌نامه دهخدا به این صورت تعریف شده است: «اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد، گذشته‌های

آدمی. وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است. دیده‌های گذشته یا شنیده‌های گذشته» (Vajehyab, 2016). معادل انگلیسی این واژه^۱ در لغت‌نامه آکسفورد «توانایی انباشت و یادآوری اطلاعات، آنچه از گذشته به یاد آورده می‌شود» تعریف شده است (Oxford dictionaries, 2016). اما اصطلاح «خاطره جمعی» برای اولین بار توسط موریس هالبواکس^۲ در سال ۱۹۲۵ در کتاب «چهارچوب اجتماعی خاطره^۳» به کار رفته است. وی بعدها در اثر مهم و تأثیرگذار خود تحت عنوان «خاطره جمعی^۴» (۱۹۵۰) به توسعه اندیشه‌های خود در زمینه ارتباط زمان و فضا با خاطرات جمعی می‌پردازد.

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی از اصطلاح «خاطره جمعی»، به‌عبارت‌دیگر، خاطره‌ای که توسط گروه‌ها یا جوامع به اشتراک گذاشته می‌شود یا «خاطره اجتماعی» استفاده می‌کنند (Lewicka, 2008, 212). در این نگاه خاطرات انسانی اساساً خاطرات اجتماعی هستند. آنچه به یاد آورده می‌شود غالباً کمتر محصول تجارب شخصی مستقیم و بیشتر حاصل قرار گرفتن ما در ساختارهای اجتماعی (خانواده، ملت، گروه‌های قومی و غیره) است. همچنین باید در نظر داشت که روایت‌های گذشته غالباً طرح‌های هستند و تنها اندکی از اطلاعات جزئی (و تفصیلی) را شامل می‌شوند، به‌خصوص اطلاعاتی که با یک‌چشم انداز کلی (یک روایت پایه که از طرح هویتی خاص حمایت می‌کند) در تعارض باشد. در یادآوری جمعی، چنین شواهد متعارض و ناسازگاری غالباً تحریف، ساده‌سازی، و چشم‌پوشی می‌شوند (Wertsch, 2008, 60, 65). بر این اساس می‌توان یادآوری را یک فرایند فعال و پویا دانست که در تعریف داستان‌های گذشته (با در نظر گرفتن شرایط حال)، گاه بخش‌هایی از وقایع را حذف می‌نماید، بخش‌هایی را بر آن می‌افزاید و در بخش‌هایی اصلاحاتی انجام می‌دهد.

با توجه به این بحث، خاطرات جمعی برای ساکنان یک محله، اطلاعات تفصیلی (البته برخی جزئیات ممکن است به یاد آورده شود) و جامع راجع به گذشته (فرم‌ها، رویدادها، مکان‌ها و موارد دیگر) را شامل نمی‌شود. افراد بخش‌هایی از اطلاعات (برخی نشانه‌های مربوط به رویداد یا مکان رویداد) را به‌صورت آگاهانه یا ناخودآگاه، انتخاب کرده (خاطرات انتخابی) و از بقیه آن چشم‌پوشی (یا مابقی را فراموش) می‌کنند. این اطلاعات انتخابی می‌تواند ما را در یادآوری خاطره‌های بخصوص به آن افراد کمک نماید.

مکان و خاطره جمعی (بیوند خاطرات به یک مکان): وقوع رویداد در بستر مکانی، خاطرات شخص را شکل می‌دهد. چه این خاطرات مستقیماً مربوط به مکان و ویژگی‌های آن باشند (مکان به‌عنوان فرم) و چه مربوط به فعالیت‌هایی که در این بستر اتفاق می‌افتند (مکان به‌عنوان زمینه)، به‌هرحال مکان نقش مهمی در ثبت خاطرات دارند. این نقش به حدی است که می‌توان گفت، خاطره ذاتاً مکان‌محور است یا دست‌کم به‌وسیله مکان پشتیبانی می‌شود. در نتیجه در یادآوری خاطرات، بهره‌گیری از عامل مکان این یادآوری را تسهیل می‌نماید. بر این اساس آنچه به خاطر آورده می‌شود

می‌سازند و با قرائت و تکرار این قصه‌ها به خود هویتی جمعی می‌بخشند (هـری، ۱۳۹۰، ۶). به عقیده مولا استفاده از بافت شهری برای به تصویر کشیدن تاریخ [خاطرات جمعی]، و نه صرفاً تاریخ دولتی، راهی است که فضاها [مکان‌ها] می‌توانند معانی ادراکی عمیق‌تری بیابند (Mowla, 2004, 9). در این پژوهش به روایت‌گری (قصه‌گویی)^۶ از طریق فرم‌ها، فعالیت‌ها و معانی یک شهر تأکید می‌شود.

یادآورهای شهری^۷ (روایت‌گرهای شهری): برای یادآوری رویدادهای صورت‌گرفته در مکان‌های شهری به یادآورهای شهری نیازمند خواهیم بود. این یادآورها روایت‌گر قصه شهر خواهند بود. لویکا به آثاری در شهر اشاره می‌کند که قادر به یادآوری خاطرات مکانی ما هستند. در نظر او «مکان‌ها به یاد می‌آورند و این کار را از طریق بناهای یادبود (آثار یادبود)، سبک معمارانه ساختمان‌هایشان، نوشته‌های روی دیوار و غیره انجام می‌دهند. برای مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند، این آثار عملکرد یادآورهای شهری را دارند» (Lewicka, 2008, 214). البته گاهی در مواجهه با یک محرک (یادآور شهری)، یک تجربه حسی قادر است تا (از طریق پیوند خوردن با دیگر خاطره‌های مرتبط) کل یک داستان متعلق به گذشته را در ذهن ما فرابخواند. شخص ممکن است با شنیدن یک صدا و یا دیدن یک نشانه، بسیاری از خاطرات شاد و یا رنج‌آور گذشته را به یاد آورد. در این رابطه می‌توان با نشان دادن چند اشاره ساده که مردم را به رویدادهای گذشته ارجاع می‌دهد، به آنها در یادآوری خاطرات آشنا در مکان‌های شهری کمک نمود. روایت‌گرهای شهری (یادآورهای شهری) در سه بخش فرمی، فعالیتی و معنایی انواع مختلفی را شامل می‌شوند. از جمله یادآورهای فرمی می‌توان به آثار معماری، شهرسازی و هنرهای تجسمی مانند یادمان‌ها و بناهای یادبود، مجسمه‌ها، مقبره‌ها، نقاشی‌های دیواری و موارد دیگر اشاره نمود. وجود اشارات فرمی آشنا و المان‌های خاطره‌انگیز از گذشته و همچنین وجود نشانه‌هایی از عناصر خاطره‌ای تخریب‌شده و خواناسازی آنها در یادآوری خاطرات جمعی مؤثر خواهند بود. دسته دیگر یادآورهای شهری به فعالیت‌های شهری تعلق دارد. رویدادهای خاطره‌انگیز شهر از جمله مراسم، مناسبت‌ها، آیین‌ها، جشن‌ها، راهپیمایی‌ها و عزاداری‌ها باریشه‌های ملی، مذهبی، باستانی و موارد دیگر از جمله فعالیت‌های خاطره‌انگیز شهر محسوب می‌شوند که در صورت برنامه‌ریزی رویدادی مطلوب، در یادآوری خاطرات جمعی به حافظه جمعی کمک خواهند نمود. آخرین دسته از یادآورهای شهری به معانی شهری تعلق دارد. از جمله یادآورهای معنایی در شهر می‌توان به اسامی مکان‌ها، الواح تاریخی، کتیبه‌های معرفی، دیوارنوشته‌ها، ایستگاه‌های روزنامه‌خوانی، تابلوهای راهنما و غیره اشاره نمود. همچنین آثار ادبی و هنری مانند ادبیات، شعر، موسیقی، سینما و غیره نیز گنجینه مهمی از خاطرات شهر محسوب می‌شوند و در یادآوری خاطرات شهر به مخاطب مؤثر خواهند بود.

از سوی دیگر تداوم فرم‌ها، فعالیت‌ها و معانی در مکان به‌خودی‌خود در

در صورتی‌که در یک مکان بخصوص به یاد آورده شود - مکانی که ممکن است از زمان وقوع رویداد نیز مهم‌تر باشد - خیلی خوب در یادها می‌ماند. در حقیقت مردم غالباً با انتساب ساختار فیزیکی (کالبدی) به خاطره قادر به یادآوری آن هستند. فیزیکی بودن (کالبد داشتن، جسمیت) این سیستم یادآوری به آنها اجازه می‌دهد تا خاطرات را جانمایی کرده و خیلی سریع آنها را به خاطر آورند (Mowla, 2004, 2-5). هالباوکس نیز بر اهمیت فضا در یادآوری خاطرات جمعی تأکید دارد. در نظر وی هر خاطره جمعی در چارچوبی فضایی آشکار می‌شود. او می‌گوید: «ما باید توجه خود را به فضا - فضایی که در آن ساکن می‌شویم، از آن عبور می‌کنیم، به آن دسترسی مداوم داریم، یا در هر زمانی می‌توانیم آن را در اندیشه و تخیل بازسازی کنیم - معطوف کنیم. اگر می‌خواهیم این یا آن گروه از خاطرات مجدداً ظهور یابند، تفکر ما می‌باید بر آن [فضا] تمرکز یابد» (Halbwachs, 1950, 6, 7).

برای خاطرات جمعی مکانی کار کرده و نتایج بسیاری ذکر شده است. این خاطرات «در پیوند با اشیاء و مکان‌های به‌جامانده از گذشته، از طریق ایجاد حس روشنی از گذشته مشترک، از عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشند. همچنین این خاطرات با ایجاد پیوند میان اعضای جامعه، موجب ایجاد انسجام اجتماعی و تقویت روحیه جمعی و مشارکت‌پذیری افراد جامعه می‌شوند» (حسینی کومله و ستوده علم باز، ۱۳۹۲، ۸۲). لویکا نیز به این کار کردها اشاره داشته و معتقد است که از جمله فواید یادآوری خاطرات مکانی و ایجاد پیوندهای عاطفی با مکان می‌توان به تعادل روان‌شناختی و سازگاری خوب، غلبه بر بحران‌های هویتی، دادن حس پایداری به مردم، تسهیل مشارکت در فعالیت‌های محلی و موارد دیگر اشاره کرد (Lewicka, 2008, 211). تأثیر خاطرات جمعی بر تسهیل مشارکت در فعالیت‌های محلی را در دیدگاه چاوز^۸ (۱۹۹۰) نیز می‌توان یافت. او احساس جمعی در محیط شهری را تسریع‌کننده مشارکت و توسعه جمعی می‌داند (کامل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۳۵). بر این اساس خاطرات جمعی با تأثیر بر احساس جمعی در تقویت مشارکت‌پذیری افراد جامعه مؤثر خواهند بود.

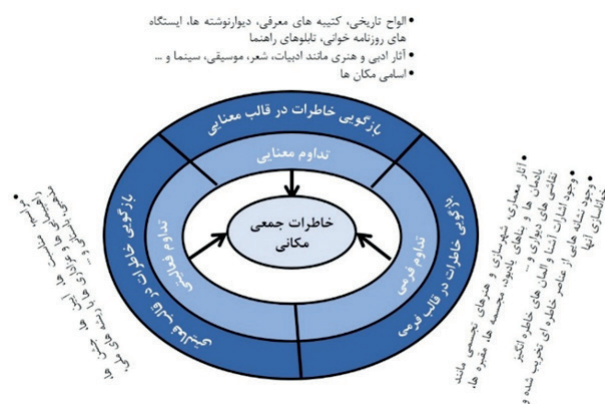
شهر به‌عنوان دفتری از خاطرات: با توجه به نقشه خاطرات شهر و مکان‌های خاطره‌ای آن، می‌توان شهر را به‌عنوان دفتری از خاطرات نامید. در نگاه کرمونا هر شهر می‌تواند به‌عنوان متنی چندلایه خوانده شود که هر لایه ویژگی‌های دوره و زمان خاصی را نشان می‌دهد. در این نگاه محیط‌های شهری تاریخچه‌ای از تغییرات شهری هستند (سوری و همکاران، ۱۳۹۲، ۷۷ و ۷۶). در نظر والتر بنیامین شهر خاطره‌ها را می‌سازد و خاطره‌ها شهر را؛ و تأثیرات دوسویه شهر و خاطره بر یکدیگر تا کوچک‌ترین قطعات کالبدی شهر نیز رسوخ می‌کند (حیبی، ۱۳۸۵، ۱۴۶). حال اگر برگ‌های این دفتر در هجوم بی‌امان تغییرات زمانه محفوظ مانده باشد، می‌توان رد آشنای مکان‌های خاطره‌ای را در شهر دنبال نمود. این خاطرات هویت‌بخش جامعه و شهر هستند. به‌عبارت‌دیگر، ساکنان شهر با خاطره‌های جمعی‌شان قصه شهر را

یادآوری خاطرات ممکن است بسته به شرایط جدید (میزان اهمیت دادن به یادآور در زمانه جدید) کم یا زیاد شود. ممکن است در شرایط جدید در مرکز توجه حافظه جمعی قرار گیرند و یا در کنجی از نظرها پنهان بمانند (نگه‌داشته شوند). بنابراین نحوه برخورد با این یادآورها می‌تواند نقش آنها را در یادآوری خاطرات گذشته تقویت و یا تضعیف نماید.

در نهایت یادآورهای جدید خود به دودسته یادآورهای ایجادشده و یادآورهای تغییریافته تقسیم می‌شوند. یادآورهای ایجادشده استعداد زیادی برای روایت داستان گذشته شهر خواهند داشت. در صورتی که این یادآورها به خاطرات زمینه‌ای که در آن واقع شده‌اند وفادار باشند، قدرت فزاینده‌ای در روایت‌گری قصه شهر و ایجاد گفت‌وگو بین شهر و شهروند خواهند داشت. اما اگر یادآورهای ایجادشده به خاطرات بستری که در آن قرار گرفته‌اند بی‌توجه باشند، خاطراتی غیراصیل، ساختگی و جعلی را در شهر روایت خواهند نمود. در چنین شرایطی پیوند خاطره‌ای مردم با مکان تضعیف‌شده و به همین سبب حس تعلق به مکان نیز در آنها تضعیف می‌شود. یادآورهای تغییریافته نیز با شرایط مشابهی روبرو هستند. این یادآورها به دلیل تغییر در ارزش‌ها و اهداف گروه، به‌گونه‌ای تغییر می‌یابند تا خاطراتی هرچند جعلی ولی مطابق با ارزش‌های امروز را برای اعضای گروه روایت کنند. بر این اساس هر کدام از انواع یادآورهای شهری (فرمی، فعالیتی و معنایی) ممکن است در گذشته به فراموشی سپرده‌شده

یادآوری خاطرات جمعی مکانی مؤثر خواهد بود. به عبارتی تداوم یک فرم، فعالیت و معنا در مکان، پایگاه خاطرهای ایجاد می‌کند و افراد جامعه قادر خواهند بود در طول زمان رویدادهای تجربه‌شده مختلف را به این نقاط مرجع ضمیمه نموده و در یادآوری خاطرات خود از این مراکز (نقاط اتصال پایدار با گذشته) بهره گیرند. بنابراین در تحلیل یادآورهای شهری علاوه بر انواع یادآورهای معرفی‌شده، عناصر تداوم‌یافته مکان در سه بخش فرمی، فعالیتی و معنایی نیز به‌عنوان یادآور و یا روایت‌گر شهری شناخته می‌شوند. هرچند یادآوری خاطرات گذشته کارکرد اولیه اصلی این عناصر محسوب نمی‌شود. طبقه‌بندی انواع یادآورهای شهری در شکل ۱ نشان داده شده است.

اما در گذر زمان برخی از این یادآورهای شهری به‌دست فراموشی سپرده می‌شوند (حذف می‌شوند)، برخی به حیات خود ادامه می‌دهند (حفظ می‌شوند) و برخی یادآورهای جدید نیز شکل می‌گیرند (ایجادشده و یا تغییر می‌یابند). یادآورهای شهری فراموش‌شده شامل آن دسته از یادآورهای فرمی، فعالیتی و معنایی است که در گذشته در شهر حضور داشته و در یادآوری خاطرات به مردم کمک می‌نموده‌اند اما امروز بر اثر تغییرات زمانه دیگر نشانی از آنها وجود ندارد. یادآورهای موجود یا حفظ‌شده آن دسته از یادآورهای شهری (شامل یادآورهای فرمی، فعالیتی و معنایی و عناصر تداوم‌یافته) هستند که از گزند تغییرات زمانه ایمن مانده‌اند و همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. البته نقش آنها در



شکل ۱. عوامل مؤثر در یادآوری خاطرات جمعی مکانی (انواع یادآورهای شهری)



شکل ۲. دسته‌بندی انواع یادآورهای شهری در یادآوری خاطرات جمعی مکانی

باشند، موجود باشند و یا جدیداً احداث شده باشند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر شامل مراحل گوناگونی است. ابتدا به بررسی و مطالعه اسناد و منابع تاریخی، روایی و اسناد تصویری (نقشه‌ها و عکس‌های قدیمی از محدوده مطالعه) پرداخته و با رویکردی تاریخی سعی در شناسایی مکان‌ها، رویدادها و اسامی خاطره‌انگیز در سطح میدان و حوزه بلافصل آن دارد. همچنین در این مرحله نقاط عطف تاریخی در تحولات فرمی، فعالیت‌ها و معنایی در محدوده مطالعه مشخص شده‌اند. بر این اساس بخشی از یادآورهای شهری موجود، فراموش شده و تغییر یافته شناسایی شدند.

در تحقیق میدانی با رویکرد پدیدارشناسانه اگزستانسپال به ذهن کاوی مخاطبان مکان پرداخته شده و پاسخ‌های آنها با روش تحلیل کیفی و به شیوه تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین در این مرحله، از برداشت‌های میدانی (در روزها و ساعات مختلف در طول مدت شش ماه) و روش پدیدارشناسانه اول‌شخص جهت مشاهدات تخصصی و توصیف دست‌اول مکان نیز بهره گرفته شده است. بدین ترتیب ترکیبی از نظرات مردم و محقق (مصاحبه و مشاهده) به دست آمده است. از جمله تکنیک‌های گردآوری اطلاعات که در این مرحله مورداستفاده قرار گرفته می‌توان به مصاحبه‌های ژرفکاوانه در قالب غیررسمی و مکالمه‌ای^۴، مصاحبه‌های استاندارد شده با سوالات باز (ساختاریافته) و مشاهدات تخصصی اشاره نمود.

در انجام مصاحبه‌های ژرفکاوانه و مصاحبه‌های ساختاریافته، انتخاب حجم نمونه بر مبنای روش تحقیق کیفی، تابع قوانین از قبل تعیین شده‌ای نبوده و تا زمان رسیدن به پاسخ‌های تکراری (اشباع اطلاعات) ادامه یافت. بر این مبنای پس از انجام ۳۵ مصاحبه (شامل ۱۵ مصاحبه غیررسمی و مکالمه‌ای و ۲۰ مصاحبه ساختاریافته) به نظر می‌رسد که دیگر اطلاعات جدید چندانی به دست نمی‌آید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمندانه بوده است. بدین معنی که محقق با پرس‌وجوهای محلی به سراغ افرادی رفته که خاطرات بیشتری از مکان داشته باشند. مصاحبه‌شوندگان از میان ساکنین در محدوده، شاغلین در محدوده، ساکنین در محدوده پیرامونی که به‌ناچار نقش عابری از محدوده را داشته‌اند و پرسه زنان^۵ در محدوده انتخاب شده‌اند. از آنجا که محدوده مطالعاتی (از نظر ترافیکی و از نظر مراکز خرید) نقش فرامنطقه‌ای و شهری دارد، در انتخاب عابری نیازی به جستجوی صرف در محدوده مطالعه نبود و از محدوده‌های پیرامونی و حتی از سایر نقاط شهر مصاحبه‌شوندگان انتخاب شدند.

عمده تمرکز مصاحبه‌های ژرفکاوانه بر شناسایی خاطرات مکانی و مکان‌های خاطره‌ای در محدوده مطالعه بوده است. بر این اساس و با توجه به یافته‌های بخش مطالعه اسنادی، نقشه مکان‌های خاطره‌ای و خاطرات مکانی در میدان ترسیم شد. بر مبنای نقشه فوق، انواع یادآورهای شهری از جمله یادآورهای

فرمی، فعالیت‌ها و معنایی در سه دسته یادآورهای فراموش شده، موجود و جدید شناسایی شدند و یادآورهای شناسایی شده مبنای تهیه نقشه یادآورهای شهری گردیدند. همچنین در سوالات مصاحبه‌های ساختاری، نظر مردم در مورد یادآورهای مذکور و موفقیت طرح در حفظ، تقویت و ایجاد آنها پرسیده شد. در ادامه تحلیل‌های تخصصی در مورد نحوه برخورد طرح جدید با یادآورهای شهری (تخریب، تضعیف، بی‌تفاوت، تقویت، ایجاد) در قالب نقشه تحلیلی ارائه شده است.

معرفی محدوده و طرح جدید

میدان امام حسین (فوزیه و شهناز سابق)، به‌عنوان یک گره میان منطقه‌ای، نقطه اتصال سه منطقه شهر تهران یعنی مناطق ۷ در شمال، ۱۳ در جنوب شرقی و ۱۲ در جنوب غربی است که در تقاطع محور شریانی اصلی شرقی-غربی تهران (امتداد خیابان‌های دماوند و انقلاب) و خیابان ۱۷ شهریور (در ضلع جنوبی) واقع شده است. به‌علاوه دو خیابان مرتجائی (شهرستانی) و مازندران از ضلع جنوب شرقی و جنوب غربی به میدان متصل می‌شوند. این میدان از میدان‌ها اصلی شهر تهران محسوب می‌شود که از نظر ترافیکی و مراکز خرید در مقیاس فرامنطقه‌ای و شهری کار می‌کند. میدان امام حسین از گذشته روحیه‌ای تجاری-فرهنگی-مذهبی داشته است. از جمله کاربری‌های مهم پیرامون میدان می‌توان به بازار شهرستانی (بازاری فعال با عملکردی فرامنطقه‌ای و شهری) و مسجد امام حسین (نقطه شروع بسیاری از راهپیمایی‌ها) اشاره نمود. از نقاط مهم اطراف میدان نیز می‌توان میدان شهدا، کارخانه برق، کارخانه تسلیحات‌سازی و پارک خیام (جنوب میدان)، دروازه شمیران و پل چوبی (غرب میدان)، میدان سپاه و پادگان ولی عصر (شمال میدان)، دانشگاه آزاد، بیمارستان بوعلی و جرجانی (شرق میدان) را نام برد. طرح میدان امام حسین (شکل ۳) توسط سازمان زیباسازی شهر تهران و با همکاری شهرداری منطقه ۷، مهندسان مشاور، سازمان‌ها و البته با مساعدت و حمایت کامل شهرداری وقت تهران انجام پذیرفت. از جمله اهداف اصلی که مشاورین طرح برای آن در نظر گرفته بودند عبارت بود از: احیای خاطره تاریخی میدان‌ها (امام حسین و شهدا) و محور ۱۷ شهریور با تأکید بر بدنه‌ها و نماهای ارزشمند به‌جای‌مانده از دوره‌های مختلف شکل‌گیری محدوده. (مهندسان مشاور باوند و آرکولوگ، ۱۳۹۱، ۱۰-۹).

در این طرح که به دنبال تبدیل میدان‌ها امام حسین و شهدا و محور ۱۷ شهریور به فضایی تجهیز شده برای برگزاری مراسم مذهبی و آیینی بوده است، مسجد امام حسین یکی از عوامل کلیدی محسوب می‌شود. در طرح میدان به‌کریدور دید به گنبد و سردر مسجد توجه شده و برای گسترش فضای شهری جلوخان مسجد به آزادسازی زمین ساختمان‌های معروف به جم، جم‌زاده و مرکز خرید سادات پرداخته شده است. از دیگر اقدامات طرح می‌توان به جمع‌آوری اتوبوس‌های برقی از داخل میدان، ساماندهی منظر



شکل ۳. طرح جدید میدان امام حسین

و امروز به مخروبه‌ای می‌ماند، مسجد امام حسین (تأسیس در سال ۱۳۴۴ شمسی) که بعد از این بناها و بافاصله از میدان احداث شد، بیمارستان جرجانی در شرق میدان (که امروز متروک و تعطیل است) و ساختمان قدیمی بانک ملی اشاره نمود.

در اوایل دهه پنجاه شمسی طرح احداث زیرگذر در میدان شهناز به اجرا درمی‌آید و مجسمه اسبها از وسط میدان جمع می‌شود. در آغاز کار عرض و ارتفاع کم زیرگذر مشکلاتی را برای اتوبوس‌های دوطبقه و کامیون‌ها ایجاد می‌کند. فرم زیرگذر تا دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز حفظ می‌شود. در دوره بعد از انقلاب، میدان امام حسین به‌عنوان کانون تقسیم سفرهای شهری در حوزه شرقی تهران، کاملاً نقش یک مبدل ترافیکی را در این محدوده ایفا می‌کرد و مبدأ و هدایت‌کننده بسیاری از سفرهایی بود که از این نقطه به مناطق دیگر شهر تهران صورت می‌پذیرفت. اتوبوس‌های برقی در محدوده میدان امام حسین (که در اوایل دهه ۷۰ شمسی راه‌اندازی شدند) تا مدت‌ها از ویژگی‌های شاخص این میدان به‌حساب می‌آمدند. خطوط اتوبوس برقی در محدوده میدان با احداث سامانه اتوبوس‌های تندرو به‌تدریج تا سال ۱۳۹۱ برچیده شدند.

در سال ۱۳۸۶ با راه‌اندازی سامانه اتوبوس تندرو در مسیر پایانه آزادی-چهارراه تهرانپارس، زیرگذر میدان به مسیر اتوبوس‌های این خط اختصاص یافت. در سال ۱۳۹۰ زیرگذر کم‌عرض میدان تعریض می‌شود و زیرگذر جدید امکان عبور یک خط اتوبوس تندرو، دو خط سواره‌رو و یک پیاده‌روی اضطراری در هر یک از باندهای رفت و برگشت را فراهم می‌کند. سرانجام براساس طرحی که مراحل ابتدایی آن از سال ۱۳۹۰ آغاز و در سال ۱۳۹۲ به بهره‌برداری رسید، سطح میدان تماماً به پیاده اختصاص داده‌شده و ترافیک سواره از دور میدان حذف گردید. بر اساس همین طرح خیابان ۱۷ شهریور نیز تا میدان شهدا سنگفرش شد تا به‌صورت پیاده راه آیینی- مذهبی درآید. در مرحله مطالعات میدانی فهرست مکان‌های خاطره‌ای و خاطرات مکانی مستخرج از مطالعات اسنادی، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های ژرف‌کاوانه تکمیل گردید.^{۱۰} نهایتاً براساس فهرست تکمیل‌شده، نقشه مکان‌های خاطره‌ای و خاطرات مکانی (شکل ۵) به‌دست آمد. البته بخشی از مکان‌ها و خاطرات ثبت‌شده در این نقشه امروزه به‌طور کامل (از وجه فرمی،

جداره میدان و حذف الحاقات مزاحم و اغتشاشات بصری و انجام محوطه‌سازی در ورودی مسجد اشاره نمود (موسوی و حاجی بنده، ۱۳۹۲، ۵۴-۵۲ و ۴۷). در سال ۱۳۹۳ اثر حجمی «عصر عاشورا» که برداشتی از اثر مشهور استاد فرشچیان در مورد واقعه عاشورا است، در میدان نصب شد که بعد از مدتی برداشته شد. همچنین بنایی کم‌ارتفاع باقاعده چندضلعی درون مربع احداث شد که آرامگاه شهدای گمنام است.

شنافت و تحلیل تاریخی- فاطره‌ای محدوده

در دوره قاجار محدوده میدان امام حسین در خارج از حصار ناصری قرار داشت. در این دوره میدانی در کار نبود و صرفاً جاده خاکی مازندران که از دروازه شمیران شروع می‌شد، از محل فعلی میدان عبور می‌کرد و پیرامون آن را زمین‌های کشاورزی در بر گرفته بود. در محل میدان شهدا نیز دروازه دوشان تپه قرار داشت که شاهان قاجار از طریق آن به شکارگاه سلطنتی و کاخ دوشان تپه و اسب‌دوانی دسترسی داشتند.

بعد از تخریب باروی ناصری و پر کردن خندق پیرامون شهر در حوالی سال ۱۳۱۱ شمسی (در دوره پهلوی اول)، شهر به اطراف گسترش یافت. در این دوره از جمله کاربری‌هایی که خارج از حصار شهر و در محدوده مورد مطالعه شکل می‌گیرند می‌توان به کارخانه برق (احداثی سال ۱۳۱۷ شمسی) در حوالی دروازه دوشان تپه (میدان شهدای امروز) و مجموعه شراب‌سازی رسومات (در محل پارک خیام امروزی) اشاره نمود. سرانجام در حوالی دهه ۲۰ شمسی میدان در محل فعلی بانام «میدان فوزیه» احداث شد. در ابتدا میدان دارای حوض و آب‌نمای سه‌طبقه در وسط و چمن‌کاری اطراف بود. در مراحل بعد (بعد از سال ۱۳۳۵) مجسمه چهار اسب در وسط میدان مستقر می‌شود و حوضچه‌هایی پیرامون آن قرار می‌گیرند. در این دوره میدان فوزیه را چهار اسب نیز می‌نامیدند. از جمله بناهای شاخص در این دوره می‌توان به سینما مراد (که در سال ۱۳۳۲ تأسیس شد و بعدها در سال ۱۳۸۳ در عملیات احداث ایستگاه مترو تخریب شد)، بازار شهرستانی و ساختمان شهرستانی (تأسیس در اوایل دهه ۱۳۳۰ شمسی) که تقریباً به همان شکل پیشین فعال هستند، سینما میامی (سینما تهران که در سال ۱۳۳۹ تأسیس شد و امروزه متروک و تعطیل است)، سینما رنگین کمان که در بازار شهرستانی قرار دارد



تصویر میدان در دهه ۱۳۴۰



تصویر میدان در دهه ۱۳۳۰



تصویر میدان در دهه ۱۳۹۰

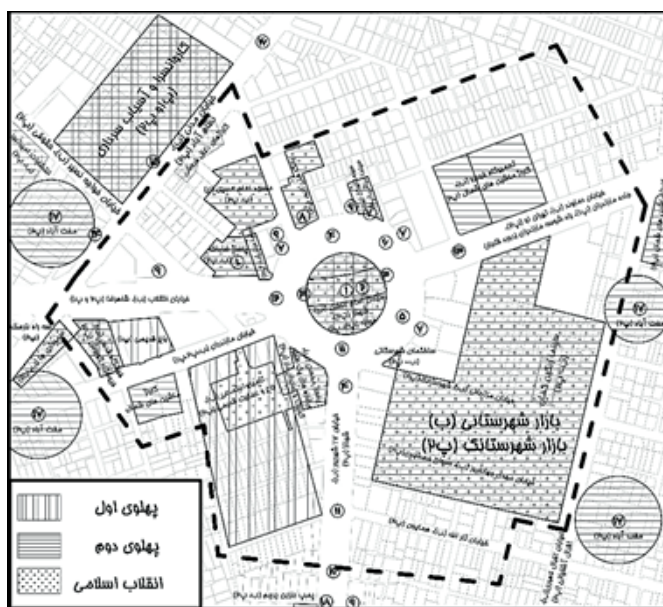


تصویر میدان در دهه ۱۳۸۰



تصویر میدان در دهه‌های ۷۰ - ۱۳۵۰

شکل ۴. تصاویر میدان در فاصله دهه‌های ۹۰-۱۳۳۰ شمسی



شکل ۵. نقشه مکان‌های خاطره‌ای و خاطرات مکانی در محدوده میدان امام حسین
 ۱: پهلوی اول ۲: پهلوی دوم ب: دوران انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی

۱. مجسمه و آب‌نمای چهار اسب، تجمع مردم و گرفتن عکس با مجسمه توسط فوتو آماتورها (۲ پ)
۲. حکومت‌نظامی و انهدام تانک فرمانده نظامی در زیرگذر میدان و عکس گرفتن مردم با تانک (ب)
۳. عرابه‌های توپ برای اعلام ساعات سحر و افطار در ماه رمضان (۲ پ)
۴. اتوبوس‌های دوطبقه قرمز و بنزهای دماغ‌دار (۲ پ)، اتوبوس‌های برقی (ب)
۵. تجمع توده‌ای‌ها به احترام درگذشت استالین (۲ پ)
۶. مراسم دسته موزیک ارتش و هوا کردن بالن تبلیغاتی به شکل فیل (۲ پ)
۷. تابلوهای تبلیغاتی بالای ساختمان‌ها با چراغ‌های نئون (۲ پ)
۸. قنات قدیمی در محل بانک ملی (۱ و ۲ پ)
۹. مشروب‌فروشی‌ها (۲ پ)
۱۰. خیمه عزاداری در جلوی مسجد که بعدها پاساژ سادات در این محل ساخته شد (۲ پ)
۱۱. حرکت دسته‌های عزاداری امام حسین (ع) از میدان ژاله تا فوزیه (۲ پ و ب)
۱۲. آغاز تظاهرات و راهپیمایی‌ها (ب)
۱۳. سنگ‌رندی با گونی برای تصرف پادگان آموزشی نیرو هوایی تهران نو (ب)
۱۴. نام‌گذاری محله حقوقی به دلیل سکونت حقوقدانان و وکلا (۲ پ)
۱۵. آسیاب سرداری و آرد کردن گندم محلات اطراف و صدای آرام‌بخش چرخش سنگ آسیا (۱ و ۲ پ)
۱۶. چرخ‌های طاقی (طوافی) برای فروش میوه و تخم‌مرغ‌بازی و قاب اندازی و غیره (۲ پ)
۱۷. زمین‌های سنگی که با قلاب‌سنگ می‌انداختند و تا هرجا سنگ می‌افتاد به قیمت مفتی می‌خریدند (۲ پ)
۱۸. پمپ‌بازین که به‌عنوان حق‌السکوت به حکیم الهی دادند تا در مورد اشرف پهلوی چیزی ننویسد (۲ و ۱ پ)

دوطبقه». بر این اساس می‌توان در نظر گرفت که طرح قدیم میدان (چهار اسب) و مراکز خرید پیرامون و بازار شهرستانی از مهم‌ترین خاطرات مکانی مردم در این محدوده محسوب می‌شوند.

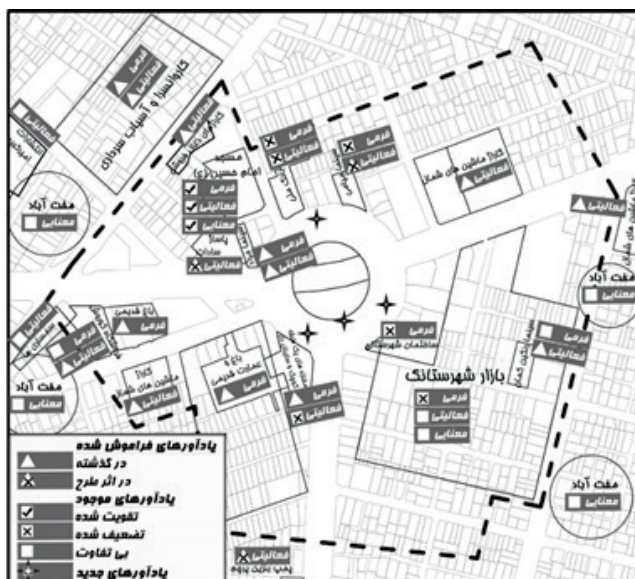
همچنین یافته‌های مطالعات میدانی نشان می‌دهد که مخاطبین عناصر تاریخی، مهم و خاطره‌انگیز در محدوده مطالعه را به ترتیب اولویت شامل میدان زیبای فوزیه با آب‌نما و اسب‌ها، بازار قدیمی شهرستانی، مسجد امام حسین، سینماهای قدیمی مانند سینما میامی و سینما مراد، فروشگاه‌ها و مراکز خرید ارزان و چرخ‌های طافی که شب‌ها در میدان فوزیه میوه‌ها را حراج می‌کردند، دانستند.

در گام بعدی پژوهش، انواع یادآورهای شهری شناسایی شده در محدوده در قالب نقشه معرفی می‌گردد. باید در نظر داشت که یک مکان خاطره‌ای ممکن است هم‌زمان از نظر فرمی، فعالیتی و معنایی تداوم یابد. بنابراین یک مکان تداوم‌یافته می‌تواند هم‌زمان به‌عنوان یادآور فرمی، فعالیتی و معنایی مطرح شود. البته در تهیه نقشه یادآورهای شهری به وجه یا وجوه غالب یادآور توجه شده است. همچنین در این نقشه (شکل ۶)، مداخلات صورت‌گرفته

فعالیتی و معنایی) به فراموشی سپرده شده‌اند. ولی باید در نظر داشت که این نقاط همچنان قابلیت استقرار یادآورهای شهری جهت یادآوری خاطرات گمشده مکان را دارند.

همان‌طور که از نقشه مکان‌های خاطره‌ای (شکل ۵) پیداست خاطرات محدوده عمدتاً به دوران پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی مربوط می‌شوند. از آنجاکه محدوده مطالعه در دوران قاجار خارج از حصار ناصری قرار داشته و کاربری‌های اطراف محدود به باغات و زمین‌های کشاورزی و در مواردی عمارات متمولین می‌شده، خاطره مکانی یا مکان خاطره‌ای قابل‌ذکری از این دوره شناسایی نشد.

در مطالعات میدانی از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا به مکان‌هایی که با شنیدن کلمه «میدان امام حسین» به یاد می‌آورند، اشاره کنند؛ اکثر پاسخ‌دهندگان در پاسخ به این سؤال به نام و طرح قدیم میدان (میدان فوزیه و آب‌نمای وسط میدان)، مراکز خرید اطراف و بازار شهرستانی اشاره کردند. دیگر موارد مطرح‌شده توسط پاسخ‌دهندگان که به‌صورت موردی مطرح شد عبارت بودند از: «مسجد امام حسین، بانک ملی ایران و اتوبوس‌های



شکل ۶ نقشه انواع یادآورهای شهری (فرمی، فعالیتی، معنایی/ فراموش‌شده، موجود و جدید) و تحلیل نحوه برخورد طرح جدید با موضوع یادآورهای شهری

مشروب‌فروشی‌ها: یادآور فعالیتی فراموش‌شده در گذشته
 خیمه عزاداری در محل پاساژ سادات: یادآور فرمی فراموش‌شده در گذشته
 حرکت دسته‌های عزاداری: یادآور فعالیتی موجود تقویت‌شده
 آغاز تظاهرات و راهپیمایی‌ها: یادآور فعالیتی موجود تقویت‌شده
 نام‌گذاری محله حقوقی: یادآور معنایی فراموش‌شده در گذشته
 چرخ‌های طافی: یادآور فعالیتی فراموش‌شده در گذشته

مجسمه و آب‌نمای چهار اسب: یادآور فرمی فراموش‌شده در گذشته
 اعلام سحر و افطار به کمک عرابه‌های توپ در ماه رمضان: یادآور فعالیتی فراموش‌شده در گذشته
 اتوبوس‌های دوطبقه و اتوبوس‌های برقی: یادآور فرمی فراموش‌شده در گذشته و در طرح جدید مراسم دسته موزیک ارتش: یادآور فعالیتی فراموش‌شده در گذشته
 تابلوهای تبلیغاتی بالای ساختمان‌ها: یادآور فرمی فراموش‌شده در گذشته
 برداشت آب از قنات قدیمی در محل بانک ملی: یادآور فعالیتی فراموش‌شده در گذشته
 اسامی قدیم خیابان‌ها و میدان که بعد از انقلاب تغییر یافته‌اند: یادآورهای معنایی فراموش‌شده در گذشته.

در طرح جدید میدان (بر اساس بررسی اسناد طرح و تحلیل اقدامات اجرایی) از نظر نحوه برخورد با این یادآورها مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج بررسی ارائه شده است.

انواع یادآورهای شهری: در بررسی انواع یادآورهای شهری، یادآورهای فعلیتی بیشترین و یادآورهای معنایی کمترین تعداد را داشته‌اند. یادآورهای شکلی نیز از نظر تعداد در این بین قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که در بررسی انواع یادآورهای شهری (شکل ۶)، عمده یادآورهای موجود مربوط به تداوم‌های فرمی، فعلیتی و معنایی در محدوده مطالعه می‌شوند تا خلق یادآور صرفاً به منظور یادآوری. هرچند عدم تمایل به یادآوری برخی خاطرات که مربوط به دوره پهلوی می‌شوند قابل احترام است، اما این روند نباید به انکار کامل گذشته و نفی تاریخ بیانجامد. هنوز بسیاری از خاطرات مکانی و مکان‌های خاطره‌ای وجود دارند که ارتباطی با مسائل سیاسی پیدا نمی‌کنند و یادآوری آنها در تقویت هویت جمعی مؤثر خواهد بود.

در بررسی یادآورهای فرمی، در پاسخ به این سؤال که یادمان‌ها و بناهای یادبود، مجسمه‌ها و غیره یادآور چه هستند، حدود نیمی از مصاحبه‌شوندگان فرم‌های فلزی در طرح جدید را بی‌معنی می‌دانستند. برخی به لاله‌های فلزی در میدان شهدا اشاره داشتند که یادآور شهدا بودند و امروز اثری از آنها نیست. در یک مورد هم به مجسمه‌ای از نقاشی فرشچیان اشاره شد که جمع شده است. یادآورهای فرمی به طور مفصل در نقشه فوق (شکل ۶) مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

در بررسی یادآورهای فعالیتی، از جمله آیین‌ها، اعیاد و جشن‌ها، روزهای خاص، سوگواری‌ها، راهپیمایی‌ها، اعتراضات، نمایشگاه‌ها و تجمعات که پاسخ‌دهندگان در طول سال، در محدوده مطالعه شاهد آن هستند بیشترین موارد اشاره شده به ترتیب عبارت‌اند از: مراسم محرم و اربعین حسینی و عزاداری‌ها، نقطه شروع راهپیمایی ۲۲ بهمن و دیگر راهپیمایی‌ها، نیمه‌شعبان و جشن‌های مذهبی، تجمعات، برگزاری نماز، جشن‌ها، بساط دست‌فروشان در ۱۷ شهریور به مناسبت سال نو، حرکت اتوبوس‌های نمازگزاران نماز جمعه. از جمله موارد مربوط به زمان گذشته نیز شامل موارد زیر می‌شد: بستن طاق نصرت و جشن و چراغانی در نیمه شعبان، حرکت دسته‌های عزاداری بین میدان شهدا تا امام حسین، راهپیمایی‌های زمان انقلاب، جشن نوروز، جشن سال‌روز تولد شاه و ولیعهد، اعیاد فطر و قربان، تجمعات مذهبی و راهپیمایی‌ها به دلیل وجود مسجد امام حسین.

نهایتاً در بررسی یادآورهای معنایی، در پاسخ به این سؤال که «آیا نام پیشین میدان امام حسین را می‌شناسید؟»، تمامی مصاحبه‌شوندگان به نام پیشین میدان (میدان فوزیه) اشاره کردند. به نظر می‌رسد نام پیشین میدان (فوزیه)، هم در دوره پیش از انقلاب (در فاصله‌ای که میدان فوزیه به شهناز تغییر نام یافت) و هم در دوره پس از انقلاب (که به امام حسین تغییر یافت) همچنان در اذهان مردم زنده است. همچنین از مخاطبین پرسیده شد که

آیا هرگونه فیلم، داستان و شعر (آثار ادبی و هنری) که به میدان‌ها یا محور اشاره کنند، می‌شناسید. متأسفانه غیر از یک مورد اشاره به فیلم «پرستوها به لانه برمی‌گردند» ساخته‌شده در سال ۱۳۴۲، به اثر ادبی و هنری دیگری اشاره نشد.

تحلیل نحوه برخورد طرح جدید با موضوع یادآورهای شهری: نگاهی به نحوه برخورد طرح جدید با انواع یادآورهای شهری در محدوده مطالعه نشان می‌دهد که طرح در تقویت یادآورهای موجود و ایجاد یادآورهای جدید که متناسب با زمینه تاریخی - خاطره‌ای محدوده باشد، نه تنها توفیقی نداشته بلکه در جهت تضعیف و تخریب یادآورهای موجود نیز حرکت کرده است. مورد استثناء در این میان تقویت نقش مسجد امام حسین و توجه به برگزاری مراسم عزاداری و راهپیمایی‌ها در محدوده بوده است. در سایر موارد نشانی از توجه طرح به رویدادهای تاریخی - خاطره‌ای میدان به چشم نمی‌خورد. رویدادهایی که در تقویت هویت جمعی و هویت مکانی نقش مؤثری بر عهده دارند. همچنین بررسی نقشه تحلیلی (شکل ۶) نشان می‌دهد که طرح از قابلیت‌های گسترده محدوده (خاطرات و یادآورهای فراموش شده) در ایجاد یادآورهای جدید غافل مانده است.

همان‌طور که در تحلیل نقشه مکان‌های خاطره‌ای اشاره شد، در نظرسنجی از مخاطبین، بازار شهرستانی نیز همانند مسجد امام حسین واجد اهمیت است. دلیل این امر را شاید بتوان در مقیاس عملکردی این بازار (مقیاس فرمانطقه‌ای و شهری) جستجو نمود. اما متأسفانه این موضوع در طرح انعکاسی نداشته است. آنچه در طرح جدید شاهد هستیم توجه صرف به مسجد امام حسین و فراموشی بازار شهرستانی است. حتی سینماها نیز که بخش مهمی از شناسنامه میدان را تشکیل می‌دهند، در این طرح مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. مراکز خرید نیز همانند سینما به کمک دیوارهای فلزی از دید میدان پوشیده شده‌اند. برای رساندن مسجد به جوار میدان، پاساژ قدیمی سادات و ساختمان‌های اطراف تخریب شدند. به عبارتی در این طرح عنصر مذهبی چنان اهمیتی یافته که به چشم‌پوشی و نادیده گرفتن دیگر عناصر (تجاری، فرهنگی و موارد دیگر) منجر شده است (شکل ۷).

ممکن است این سؤال مطرح شود که طرح‌های جدید مجاز به از بین بردن کدام یادآورها و مکان‌های خاطره‌ای هستند؟ این سؤال پرسشی اساسی‌تر ایجاد می‌کند که اصولاً نحوه برخورد با خاطرات بد و عناصر سازنده این خاطرات (یادآورهای شهری) چگونه است؟ آیا فراموشی همه خاطرات بد برای انسان مفید است؟ بسته به نوع نگرش به دنیا وزندگی ممکن است جواب‌های مختلفی به این پرسش‌ها داده شود. از نظر مولا نیازی وجود دارد تا گذشته بدنام مکان را نیز به یادآور شود. «غفلت از تاریخ، غفلت از خاطره‌ای است که مرهون گذشتگانمان است و بنابراین برابر با انکار خویشتن خواهد بود، این امر آغاز خودکشی است». مایه تأسف خواهد بود اگر جنگ‌ها، شورش‌ها و دیگر چیزها که نمایشگر روزهای درخشان نمی‌باشند، فراموش شوند. این



سینما میامی (تهران) که از مهم‌ترین یادآورهای شهری میدان بود در پشت قاب فلزی پنهان مانده.



تخریب پاساژ سادات و ساختمان‌های جم و جم‌زاده



ساختمان شهرستانی که با پرده فلزی از دید میدان پنهان شده است.

شکل ۷. نمونه‌هایی از مواجهه طرح جدید با یادآورهای شهری موجود

که اصلاً معلوم نیست نماد چه هست، گورستان آهن که صرفاً کاربری «تجمع» دارد، پارکی که به جای درخت پر است از آهن. در حدود نیمی از مصاحبه‌شوندگان المان‌های فلزی در طرح جدید را فاقد معنی می‌دانستند. در یکی از سؤالات نظر مخاطبین در مورد موفقیت طرح جدید در زنده‌نگه‌داشتن یا احیای خاطرات گذشته محدوده مطالعه در یادها پرسیده شد. تقریباً تمام مخاطبین معتقد بودند که طرح در این زمینه هیچ توفیقی نداشته است. در نظر آنان طرح جدید باعث کم‌رنگ یا فراموش شدن خاطرات شده است. البته یکی دو مورد نیز به این سؤال پاسخ مثبت دادند. نکته قابل تأمل در این بخش پاسخ مخاطبین به خاطره‌انگیزترین عناصر میدان در زمان حال بود. غیر از یک مورد (اشاره به نماد حرم تا حرم)، سایر مخاطبین هیچ عنصر خاطره‌انگیزی در وضع امروزی میدان شناسایی نکردند.

به نظر می‌رسد که طرح حتی از نظر بصری هم قادر به پاسخگویی به سلاقی بصری مخاطبین نبوده است. نتایج پژوهشی که اخیراً در مورد ارزیابی ادراک بصری فضایی میدان امام حسین (بعد از طرح جدید) منتشر شده نشان می‌دهد که طرح ساماندهی میدان، توانایی برقراری ارتباط مناسب بین فرم و عملکرد فضایی آن را نداشته و در واقع میدان با وجود داشتن یک طرح از پیش اندیشیده شده و نیز کاراکتر خاص و متمایز کالبدی، موفق به برقراری ارتباط معنی‌دار بین عناصر الحاقی با زمینه کالبدی نبوده و در نتیجه موجب ادراک نامطلوب بصری - فضایی شهروندان شده است. به اعتقاد محقق، این ارتباط ناموفق، مهم‌ترین نقطه ضعف میدان بوده و منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌ها و تصویر ذهنی نامطلوب از میدان در ذهن شهروندان شده است (مدیری و نوراللهی اسکویی، ۱۳۹۳، ۷۵).

در مجموع طرح جدید به هویت تاریخی و خاطره‌ای میدان توجهی ننموده و در انقطاعی تاریخی از گذشته سعی بر برچسب زدن به فضا (به‌عنوان فضایی آئینی - مذهبی) نموده است. این امر تا جایی پیش رفته که کاربری‌های پیرامونی میدان (خصوصاً در محور ۱۷ شهریور) براساس برچسب جدید مجبور به تغییر اساسی شده‌اند و البته در مقام عمل تغییری غیر از تعطیلی واحدهای تجاری و خدماتی رخ نداده است. در نظر مولا، برچسب زدن به

چیزها باید به یاد آورده شوند تا اهمیت آنها از بین نرود (Mowla, 2004, 4). به‌طور کلی در زمینه اصلاح و یا تخریب یادآورهای شهری باید به گروه‌هایی که از این مکان‌ها خاطره دارند و نوع خاطرات آنها توجه نمود. ممکن است در مواردی یک خاطره بد و آزاردهنده از مکان از نظر یک گروه، از نظر گروه دیگر به‌عنوان خاطره‌ای خوب و غرورآفرین دانسته شود. این مسئله به‌خصوص در تعارضات سیاسی بین احزاب و گروه‌های مخالف نمایان است. در هر حال پس از مدتی و با گذشت یک یا چند نسل خاطرات دیگر به نسل‌ها تعلق نداشته و برگری در دفتر تاریخ شهر می‌شوند. در این شرایط می‌توان مجدداً به یادآوری خاطرات فراموش شده شهر پرداخت.

در میدان امام حسین عمده خاطرات بد که موجب آزار روحی و جسمی مخاطبین پژوهش می‌شده، به معضلات فرهنگی و اجتماعی (مجردنشینی، مهاجرنشینی و کارگرنشینی، جرم و جنایت، دزدی و فروش وسایل مسروقه، دست‌فروشی‌های شبانه، اراذل و اوباش، حضور گسترده معتادان و موادفروش‌ها، زنان خیابانی و کودکان خیابانی) مربوط بوده است. اما آیا طرح جدید توانسته چنین خاطراتی (خاطرات بد از مکان) را از ذهن جمعی بزاید؟ با توجه به اوضاع فرهنگی و اجتماعی میدان بعد از اجرای طرح جدید به نظر می‌رسد که زمینه حضور افشار مسئله‌دار و بزهداران در میدان و محدوده پیرامون آن، نه تنها محدود نشده بلکه در اثر اقدامات طرح جدید میدان تقویت نیز شده است.

در طرح جدید میدان همچنین شاهد احداث برخی یادآورهای شهری جدید هستیم. اما پیوند این یادآورها با زمینه تاریخی و خاطره‌ای میدان مورد سؤال است. از جمله المان‌های طرح جدید که می‌توان به‌عنوان یادآور شهری در نظر گرفت عبارت‌اند از دیوارهای فلزی مشبک (پرده) در میدان، بنای آرامگاه شهدای گمنام، سکوی اجرای نمایش و تلویزیون بزرگ مستقر در آن، پرچم‌های مرتفع و گلدسته‌های فلزی مرتفع. نکته جالب توجه آن که از نظر مخاطبین زشت‌ترین عنصر در محدوده میدان در زمان حال عبارت بود از سازه‌های فلزی و ستون‌های آهنی که به‌تازگی احداث شده‌اند. در نظر استفاده‌کنندگان «فضایی دلگیر و ترسناک ایجاد شده با نمادهای بلند فلزی

یک فضا، تحمیل کردن هدف فضا و آنچه در آنجا اتفاق خواهد افتاد، نه به فهمی از آن فضا منجر می‌شود و نه به حسی از مکان. مایه تأسف است که فضای طراحی شده غالباً از واقعیت کارکردش جدا شده‌است (Mowla, 2004, 7).

معماران و طراحان شهری فراموش کرده‌اند که مردم هم استفاده‌کننده و هم خالقین مکان هستند. نمی‌توان به‌صورت تجویزی مکان و روح مکان را خلق نمود.

از جمله راهبردها و راهکارهایی که طرح در جهت خاطره‌انگیزی بیشتر میدان - در زمینه یادآورهای شهری فراموش شده، موجود و جدید- در نظر بگیرد موارد زیر است:

در زمینه یادآورهای شهری فراموش شده: ایجاد یادآورهایی به‌منظور بازگویی و احیای خاطرات جمعی و یادآورهای فراموش شده (مجسمه چهار اسب، عرابه‌های توپ، تابلوهای تبلیغاتی بالای ساختمان‌ها، خیمه‌های عزاداری مقابل مسجد، اتوبوس‌های دوطبقه، چرخ‌های طاقی و آسیاب سرداری) در قالب مجسمه، نقشه‌های تاریخی - خاطره‌ای فلزی در کف میدان و جداره‌ها، ساخت تندیس‌ها و سردیس‌ها از افراد سرشناس که در محدوده میدان زندگی و کار کرده و منشأ خدماتی برای اهالی و مردم شهر بوده‌اند و بیان داستان زندگی آنها و ایجاد ایستگاه‌های روزنامه‌خوانی که به شرح وقایع گذشته میدان بپردازد و سایر موارد مشابه .

در زمینه یادآورهای شهری موجود: حفاظت، مرمت و تأکید بر یادآورهای شهری موجود (از جمله سینما تهران، ساختمان شهرستانی و ساختمان بانک ملی) از طریق نورپردازی، توجه به فرم و رنگ کف، ایجاد پیشخوان فضایی، جهت‌دهی فضایی به‌سوی عناصر خاطره‌ای مسلط در میدان، عدم تأکید بر ابنیه مجاور و حفظ سادگی آنها در فرم و رنگ و مصالح.

در زمینه یادآورهای شهری جدید: توجه به پیوند خاطره‌ای یادآورهای جدید با وقایع گذشته محدود و حفظ تداوم تاریخی - خاطره‌ای در طراحی و تعیین برگه‌ها، فضاها و عملکردهای شهری و نیز عدم ایجاد یادآورهای جدید که به خاطرات غیراصیل و نامرتبط با زمینه مکانی محدوده اشاره دارند. همچنین طرح می‌بایست در پرداختن به یادآورهای شهری، به خاطرات و مکان‌های خاطره‌ای در محدوده پیرامونی توجه داشته و یادآورهای محدوده را براساس شبکه وسیع‌تر خاطرات و یادآورهای شهر جانمایی و طراحی کند.

نتیجه‌گیری

در تحقیق پیش رو سعی بر آن بوده تا اهمیت خاطرات جمعی مکانی و یادآوری این خاطرات از طریق یادآورهای شهری نشان داده‌شده و الگویی برای بررسی و تحلیل انواع یادآورهای شهری (از طریق نقشه تحلیلی) معرفی شود. یادآورهایی که روایت گر قصه شهر بوده و در صفحات دفتر خاطرات شهر حک شده‌اند. پژوهش همچنین تلاش داشت تا توجه طرح‌های شهری

(به‌ویژه طرح‌های مربوط به مکان‌های تاریخی) را بر لزوم شناسایی، حفظ و تقویت یادآورهای موجود، احیای یادآورهای فراموش شده و ایجاد یادآورهای جدید (که در پیوند با زمینه تاریخی - خاطره‌ای مکان باشند) معطوف نماید. بر این اساس انجام تحقیقات در حوزه خاطره و تهیه نقشه مکان‌های خاطره‌ای و خاطرات مکانی در اسناد شهری پیشنهاد می‌گردد.

یافته‌های تحقیق مؤید این نظر بود که خاطرات جمعی غالباً به‌صورت طرح‌واره‌ای بوده و تنها اندکی از اطلاعات جزئی (و تفصیلی) را شامل می‌شوند. امری که در خطاهای مصاحبه‌شوندگان هنگام یادآوری اطلاعات جزئی مشهود بود. همچنین یافته‌های تحقیق درستی این امر را که در یادآوری خاطرات، بهره‌گیری از عامل مکان این یادآوری را تسهیل می‌کند، تأیید نمود. این موضوع در یادآوری سریع خاطرات توسط مصاحبه‌شوندگان، بعد از اشاره مصاحبه‌گر به مکان‌های خاص موردتوجه قرار گرفت. نکته مهم دیگری که در یافته‌های تحقیق به چشم می‌خورد این است که عمده خاطرات مکانی شناسایی شده در محدوده مطالعه به عناصر تداوم‌یافته شکلی، فعالیت و معنایی مربوط می‌شدند. این مسئله بر لزوم توجه ویژه در تصمیم‌گیری برای عناصر تداوم‌یافته در مداخلات شهری تأکید دارد.

درنهایت، نتایج مطالعات میدانی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشانگر این امر است که طرح جدید میدان در ایجاد و تقویت یادآورهای شهری توفیقی به دست نیآورده و از قابلیت‌های متعدد موجود در این مکان تاریخی بهره‌ای نگرفته است. تنها رویکرد مثبت طرح جدید در موضوع یادآوری خاطرات جمعی مکانی به مراسم مذهبی، راهپیمایی‌ها و توجه ویژه به مسجد امام حسین (ع) خلاصه می‌شود. یافته‌های تحقیق نشانگر این مطلب است که تأکید بیش‌ازحد بر یادآوری یک خاطره، چنانچه به قیمت فراموش کردن سایر خاطرات و یادآورهای شهری تمام شود، از نظر مردم توفیق‌چندانی محسوب نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Memory
2. Maurice Halbwachs
3. Les Cadres Sociaux de la Mémoire
4. The Collective Memory
5. Chavis
6. Story Telling
7. Urban Reminders

۸. هرچند پیش از شروع مطالعات میدانی محورهای اصلی مصاحبه‌ها در حوزه شناسایی خاطرات مکانی و مکان‌های خاطره‌ای مشخص شده بود، اما با توجه به ماهیت سیال و گریزپذیر خاطرات، مصاحبه‌های ژرفکاوانه به‌صورت نیمه‌ساختار یافته

- و در بیشتر موارد به صورت مصاحبه‌های غیررسمی و مکالمه‌ای انجام گرفت.
۹. گروه پرسه‌زنان در تعریف والتر بنیامین، شامل مشاهده‌گران پیاده و مانند آن اعم از معتاد، خیال‌باف و سرخوش - بوده و به‌عنوان تیپ‌های روشنگر معرفی می‌شوند. پرسه‌زن در فضاهای خیابان در رواق و کافه‌ها ول می‌گردد. او بدنی در حال حرکت و چشمی ویرانگر در شهر است. (تانکیس، ۱۳۸۸، ۱۹۷ - ۱۹۴).
۱۰. از جمله رویدادهای مهم و خاطره‌ساز که در میدان امام حسین اتفاق افتاده می‌توان به تجمع یادبود استالین توسط هواداران حزب توده در میدان فوزیه (سال ۱۳۳۱) اشاره نمود. از وقایع دوران انقلاب نیز در این میدان می‌توان به منهدم کردن تانک یکی از ژنرال‌های ارتش در زیرگذر میدان اشاره کرد. همچنین کشتار روز جمعه سیاه در هفدهم شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله (شهدای امروزی)، راهپیمایی همافران پادگان نیرو هوایی در خیابان فرح‌آباد (پیروزی امروزی) و تسخیر اسلحه‌خانه پادگان نیرو هوایی توسط نیروهای انقلابی و سایر موارد، در نزدیکی این میدان به وقوع پیوست.
- کاربرد آن در طراحی شهری. هویت شهر، (۱۳)، ۸۲-۷۳.
۶. کامل‌نیا، حامد؛ اسلامی، سید غلامرضا؛ و حناچی، پیروز. (۱۳۸۹). تحلیل و ارزیابی معماری جمعی بر مبنای شاخصه‌های احساس جمعی. هویت شهر، (۷)، ۱۴۰-۱۳۱.
۷. مدیری، آتوسا؛ و نیکو نوراللهی اسکویی. (۱۳۹۳). ارزیابی ادراک بصری فضایی میدان امام حسین (ع)، مطالعه موردی، محله عودلاجان. مطالعات شهری، (۱۱)، ۸۴-۷۵.
۸. موسوی، سید علی‌اکبر؛ و حاجی بنده، مونا. (۱۳۹۲). به‌سوی خلق یک فضای شهری پایدار، نخستین پلانزای شهر تهران، میدان امام حسین (ع). تهران: انتشارات علم نو.
۹. مهندسان مشاور بوند و آرکولوگ. (۱۳۹۱). طرح ساماندهی و ارتقای کیفی محور ۱۷ شهریور، فاصله میدان امام حسین تا میدان شهدا، مطالعات مرحله اول، جلد ۳: برنامه‌ریزی و طراحی اقدامات. تهران: پدیدآورنده.
10. Halbwachs, M. (1950). *The collective memory*. (Francis J. Didder Jr. and Vida Yazdi Ditter, Trans.). New York: Harper & Row.
11. Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology*, 28, 209-231.
12. Mowla, Qazi Azizul. (2004). Memory Association in Place Making: Understanding an Urban Space. *Protibesh*, 9, 52-54.
13. Oxford dictionaries (2016). Retrieved March, 2016, from <http://www.oxforddictionaries.com/definition/English/memory>
14. Vajehyab (2016). Retrieved March, 2016, from <http://www.vajehyab.com/dehkhoda>
15. Wertsch, J. V. (2008). Blank Spots in Collective Memory: A Case Study of Russia In M. O. Heisler (Ed.), *The Annals of the American Academy of Political and Social Science* (Vol.617, pp. 58-71). Thousand Oaks, Calif: Sage.
۱. اهری، زهرا. (۱۳۹۰). شهر، جشن، خاطره - تأملی در نسبت فضاها و جشن‌های شهری در دوران صفویان و قاجاریان. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، (۴۷)، ۱۶-۵.
۲. تانکیس، فرن. (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری. (حمیدرضا پارسسی و آرزو افلاطونی، مترجمان). تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۳. حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۵). شهر جدید آستانه‌ای برای تکوین خاطره و حافظه شهری در رضا کربلایی نوری و فرانیه ریاحی دهکردی. مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید. همایش بین‌المللی شهرهای جدید. اردیبهشت ۱۸-۱۴، (ص ۱۵۱-۱۴۵). تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
۴. حسینی کومله، مصطفی؛ و ستوده علمباز، فاطمه. (۱۳۹۲). نقش خاطره جمعی در باز زنده‌سازی بافتهای شهری - ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، (۴)، ۹۲-۷۹.
۵. سوری، الهام؛ رزاقی اصل، سینا؛ و فیضی، محسن. (۱۳۹۲). مفهوم حس زمان و

فهرست مراجع

Evaluation of Urban Intervention in Imam Hussain Square (Tehran) with Emphasis on Urban Reminders

Mahdi Yazdi, Ph.D. Student, Faculty of Urban Planning, University College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.
*Behnaz Aminzadeh**, Ph.D., Associate Professor, Faculty of Urban Planning, University College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Human settlements are filled with memories. Sometimes these memories are personal and sometimes they have collective nature. Collective memory is a memory shared between group members and is formed in a social framework, a place context, and through the time. These memories would fill the space with meanings and through them, a space would become a place and a place would become a meaningful, memorable and valuable place.

Today, many place-based researches have been emphasized on the importance of narration and memory in cities. In this approach the city is considered as a diary of place collective memories. These memories which are rooted in the context of urban places and can form affective bonds between people and places, Furthermore have an important role in formation of people's place-identity and sense of belonging to place. Having regard for or ignoring these memories (and memorable elements tied to them) in urban interventions, can strengthen or weaken people's sense of belonging to place and their place identity. This can lead to numerous consequences and results. Vanishing of memories may cause identity crisis and mental-psychological disease.

Most of researches with the subject of place collective memory are focused on the formation of collective memories in the city and its effective criteria. But the recording and transition of those memories for the future and posterity are given less consideration. Confrontation of people with urban reminders help them to remember memories of the past events. These reminders as forms, functions and meanings would help people to remember urban memories and narrate (tell the story of) the city's past. These reminders are considered as mnemonic aids. But some urban interventions regardless of these memory reference points, would remove city narration consciously or unconsciously over time. Interventions which would make our cities generic, without any memory, history or important feature.

Imam Hussain square intervention plan has been accomplished in 2012 with the approach of maximum changes and today after four years its results could be analyzed. Current research is pursuing the analysis of urban intervention in the Imam Hussain Square to see how it pays attention to place collective memories through protection and strengthening of urban reminders. This research combines existential and First-person phenomenological approaches. With a qualitative Analysis method, it uses content analysis combined with expert analysis. Through the research various gathering information techniques are employed, such as deep interviews, structural interviews with open questions, and expert observations.

The results show that the new design has not succeeded in attention to urban reminders and has failed in using numerous capacities, available in this historic place. Except a few cases, this intervention not only has no attention to forgotten place-memories and urban reminders, but it also has weakened and destroyed the existing reminders. Even new urban reminders which are erected in this design have not bonded properly with place history and

* Corresponding Author: Email: bgohar@ut.ac.ir